

## تحلیل آسیب‌ها و جرایم مناطق حاشیه‌نشینی شهر تهران

بهرام بیات<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی آسیب‌ها و جرایم مناطق حاشیه‌ای در شهر تهران پرداخته است. برای تبیین نظری موضوع با توجه به نظریه فشارهای ساختاری؛ سه رویکرد فرصت‌های ساختاری، یادگیری اجتماعی و بوم‌شناسی اجتماعی که تبیین‌گری مناسبی از مسأله ارائه می‌دهد. مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. با استفاده از این رویکردها متغیرهای احساس نابرابری، طبقه اقتصادی-اجتماعی، خدمات شهری، امکانات رفاهی و کنترل اجتماعی استخراج، شاخص‌سازی و آزمون گردیده‌اند. روش تحقیق از نوع پیمایش و اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار مخصوص علوم اجتماعی (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه‌نشینی تهران می‌باشد که نمونه‌ای ۶۷۰ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد سوال قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین طبقه اقتصادی-اجتماعی و میزان آسیب‌ها و جرایم معنی‌دار نیست ولی متغیرهای احساس نابرابری، خدمات شهری، امکانات رفاهی، کنترل اجتماعی و شلوغی محل با آسیب‌ها و جرایم رابطه دارند.

**کلید واژه‌ها:** حاشیه‌نشینی / آسیب‌ها / فشار ساختاری / امکانات رفاهی / احساس نابرابری /



## ۱- بیان مساله

حاشیه نشینی از مشکلات اجتماعی جوامع بشری است که از قرن نوزدهم و با توسعه شهرها و کلان شهرها بروز پیدا کرده است. واقعیت این است که روند شهرنشینی به صورت یک ضرورت تاریخی و با سرعت سرسام آوری در حال حرکت است. از این رو مدیریت شهری بایستی برای روبرو شدن با آن آمادگی لازم را داشته باشد و بر این اساس بایستی در اهداف، ساختار و عملکرد خود قابلیت را فراهم نمایند تا پیامدهای این توسعه روزافزون را مدیریت نمایند که در این بین حاشیه نشینی و آسیب ها و پیامدهای آن یکی از محورهای اساسی برای مدیریت شهری در کلان شهرهاست.

حاشیه نشینی به واسطه ماهیت خود از حیث مفهوم اجتماعی، فضای کالبدی، روابط اجتماعی در آن و ... واجد آسیب ها و مسائل اجتماعی خاصی است که میزان مساله مداری آن را عمیق تر جلوه داده است. کلان شهر تهران در کنار مسائل و مشکلات متعددی که به واسطه توسعه روزافزون خود با آنها دست به گریبان است، به نحو بارزتری نسبت به سایر کلان شهرها با پدیده حاشیه نشینی مواجه شده است و توسعه مناطق حاشیه ای تهران به ویژه مناطقی که به واسطه تبیین جامعه شناختی به عنوان مناطق حاشیه نشین (به مفهوم اجتماعی آن) محسوب می شوند دورنمای امیدوار کننده ای را ندارد یعنی در کلان شهر تهران توسعه مناطق حاشیه ای با وجود آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی موجود در آنها در حال تعمیق و توسعه می باشد که مدیریت شهری را با نگرانی و دغدغه مواجه کرده است.

آسیب های اجتماعی خاص مناطق حاشیه ای، از نوع آسیب هایی است که به واسطه ویژگی های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر مناطق حاشیه ای از شهرت و گستردگی خاصی برخوردار است که اگر در مراحل اولیه شکل گیری مورد مدیریت قرار نگیرد قطعاً قابلیت آن را دارند که به «خرده فرهنگ کجرو» تبدیل شوند که در این صورت فرآیند مدیریت و ساماندهی آنها با پیچیدگی قابل توجهی روبه رو خواهد بود.

نوع آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین از حیث ماهیت تفاوت چندانی با آسیب های اجتماعی جامعه ندارد بلکه آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین بنا به ماهیت و ساخت اجتماعی، جغرافیایی، فضایی و نوع روابط اجتماعی از شدت، تنوع و گستره خاصی برخوردار است که نوع تحلیل و مدیریت آسیب ها را در این مناطق به صورت خاصی در می آورد.

مناطق حاشیه ای دارای ویژگی های کالبدی، جمعیت شناختی، اقتصادی، آموزش



و مهارت آموزی، خدمات اجتماعی و رفاهی، بهداشتی و فرهنگی خاصی هستند که در این بستر فرآیند شکل گیری آسیب های اجتماعی تسریع و امکان مدیریت آسیب ها با پیچیدگی خاصی همراه می گردد.

براساس موارد ذکر شده مساله اساسی در این تحقیق تمرکز بر آسیبه ها و جرایمی است که به واسطه ویژگی های خاص مناطق حاشیه نشین ایجاد و گسترش یافته و نظم و امنیت شهری را با مشکل مواجه می سازد.

## ۲) سابقه موضوع

### ۲-۱) پژوهش های داخلی

تحقیقی با عنوان بررسی حاشیه نشینی در شهرستانهای استان تهران (۱۳۸۳) پس از حادثه پاکدشت انجام شده است که بر اساس یافته های پژوهش فوق حاشیه نشینان مسائلی چون خرید و فروش مواد مخدر، ایجاد مزاحمت ها، انواع سرقت ها، نزاع های دسته جمعی و ... را از جمله جرایم شایع در مناطق حاشیه ای مطرح کرده اند. همچنین بر اساس یافته های تحقیق بی اعتمادی (بین فردی، تعمیم یافته و بنیادین) در بین اهالی مناطق حاشیه ای زیاد است و دلیل آن نیز از نظر پاسخگویان بی توجهی مسئولین به این مناطق، گرفتاری و مشغله کاری مردم و عدم وجود خدمات اجتماعی و رفاهی در این گونه مناطق می باشد. مسائلی چون ساخت و ساز غیرمجاز، تصرف عدوانی زمین و ... از مسائلی است که در این مناطق به چشم می خورد. پروژه بعدی «آسیب شناسی اجتماعی نقاط آلوده شهر تهران» است که در سال ۱۳۸۵ توسط جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران در سطح شهر تهران صورت گرفته است. بر اساس یافته های این تحقیق بیشترین آسیب های اجتماعی در مناطق فوق از نظر پاسخگویان شامل اعتیاد، توزیع مواد مخدر، ولگردی، تکدی گری، فروش سی دی و نوارهای مستهجن و روسپیگری می باشد. همچنین خانه های فساد، پارک ها، قهوه خانه ها، آلونک ها، تپه ها، میدان های شهر، ترمینال ها و میادین خرید به ترتیب مهمترین مکان هایی هستند که تجمع افراد خلافکار در آنها بیشتر از سایر اماکن می باشد.

### ۲-۲) پژوهش های خارجی

مطالعه ای با عنوان اثرات نابسامانی اجتماعی (۱۹۸۷) توسط ویلسون انجام گرفته است براساس یافته های وی مناطق حاشیه نشین دارای خصوصیات زیر است:  
۱. ۳۲/۲ درصد یا بیشتر از ساکنین زیر خط فقر زندگی می کنند.



۲. ۴۵/۴ درصد از ۱۶ ساله به بالا مدرسه نرفته و مردان بزرگسال بیکار هستند.
  ۳. ۳۶/۸ درصد از خانوارها یا بیشتر، زن سرپرست بوده و بچه‌های زیر سن ۱۸ سال دارند.
  ۴. ۱۷/۶ درصد از خانوارها تحت پوشش سازمانهای رفاه اجتماعی هستند.
  ۵. ۲۷/۲ درصد از نوجوانان ۱۶ تا ۱۹ ساله در مدرسه ثبت نام نکرده‌اند. (کاساردا، ۱۹۹۳ ص ۱۱۰)
- پژوهشی دیگر در سال ۱۹۳۸ توسط کلیفوردشاو صورت گرفته است که نقطه عزیمت او به مساله جرایم شهری تاثیر فضای مناطق خاص شهری بر جرم می‌باشد. یافته‌های اصلی پژوهش وی عبارتند از:
۱. به طور کلی بزهکاران مناطق حاشیه از حیث هوشی، جمعی، شخصیتی با بزهکاران مناطق دیگر تفاوت معنی داری ندارند.
  ۲. در مناطق حاشیه‌ای سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از طریق آنها محله‌ها بر رفتار افراد کنترل می‌کنند به طور عمده از هم فرو پاشیده‌اند.
  ۳. مناطق حاشیه‌ای فرصت‌های متعددی را جهت فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی و اعمال خرابکارانه و متجاوزانه و منافی عفت و ... در اختیار مجرمین قرار می‌دهد.
  ۴. فعالیت‌های بزهکارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شود.
  ۵. در این مناطق خرده فرهنگ‌هایی با ویژگی‌های تمایل به ریسک، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت نیازهای جهانی، لاقیدی و بی‌بند و باری و ... وجود دارد.

### ۳) مبانی مفهومی و نظری

#### ۳-۱) مفهوم حاشیه نشینی

- مفهوم حاشیه‌نشینی معانی و اسامی گوناگونی برای خود دارد و اغلب، به مساکن فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می‌شود (گروبر و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
۱. حاشیه نشین، به مفهوم کلی، به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند.



۲. افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته‌اند و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌شوند. حاشیه‌نشینان از نظر اجتماعی دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند.

۳. خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجر که به تعبیر اسکار لوئیس در نوعی (فرهنگ فقر) زندگی می‌کنند. آنان به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند.

۴. «سرپناه‌های خلق الساعه برپا شده بر زمین متعلق به دیگران، واقع در حاشیه شهرها...»

۵. مناطق زاغه‌نشین، آلونک‌نشین، کپرنشین و در مفهوم کلی‌تر «حاشیه‌نشین» به شدت پایین و نامناسب است. زاغه‌ها مناطقی هستند که مهاجران فقیر و مصیبت‌زده روستایی اولین خانه ارزان و کوچک خود را در آنجا بنا کرده و شروع به جست و جو برای یافتن کار و شغل مناسب در همان حوالی می‌کنند. زاغه‌ها معمولاً در مکان‌هایی پدید می‌آیند که به هیچ عنوان برای سکونت انسان مناسب نیستند. (احمدیان، ۱۳۸۲: ۱۶)

تعاریف فوق نشان می‌دهند که مناطق حاشیه‌نشین بر بستری از متغیرهای کالبدی، فضایی، موقعیت اقتصادی، فضای اجتماعی، و ساختار قدرت تعریف می‌شود و از این حیث یک مفهوم جامع و واضح تلقی می‌شود.

### ۲-۳) آسیب‌شناسی مناطق حاشیه‌نشین

از منظر آسیب‌شناسی مناطق حاشیه‌نشین با اصطلاحات متعددی چون «گودسیاه»<sup>۱</sup> «موقعیت سیاه»<sup>۲</sup> و «گتو»<sup>۳</sup> نیز استفاده می‌شود. اما اصطلاح علمی استفاده شده برای این منظور «منطقه کجرو»<sup>۴</sup> و همچنین «خرده فرهنگ کجرو»<sup>۵</sup> است که به فرآیند یا نتیجه حاصل از ضعف، گسست یا اضمحلال یا انحلال سازمان‌های اجتماعی اطلاق می‌شود نقطه آلوده، ساخت اجتماعی کاذبی است که از همه صور رفتارهای منحرف تشکیل یافته است. مکانی است که در نتیجه فاصله و تفاوت میان آرزوهایی که گروهی در اعضایش آموخته است با راه‌هایی که نظام اجتماعی برای

۱. Black pit

۲. Black-locality

۳. Ghetto

۴. Delinquency area

۵. Delinquenat subculture



تحقق این آرزوها به رسمیت می‌شناسد، بوجود آمده است. مجموعه ایجاد انحراف و بی‌هنجاری‌ها ناشی از یک نقطه آلوده آسیب یا مشکل اجتماعی خاصی را در جامعه ایجاد می‌کند.

مجموعه آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی ناگوار مناطق حاشیه‌ای دارای سه ویژگی خاص می‌باشد:

۱. آسیب‌ها یا مشکل اجتماعی خاص مناطق حاشیه‌ای، قابلیت گسترده‌تری سریع را به عنوان عامل دینامیکی یا پویایی درونی دارد.
۲. آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی مناطق حاشیه‌ای، تمامی ارزش‌ها را خیلی شدید مورد تهدید قرار می‌دهد.
۳. آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی مناطق حاشیه‌ای، چه از نظر تامین منابع و هزینه‌های حداقل رفاه اجتماعی و چه از نظر رفع متوسط نیازها و فراهم آوردن پوشش‌های خدماتی و چه از نظر ایجاد انگیزه‌ها و هدف‌های حقیقی، لزوم مقابله‌ی عینی و ذهنی را به طور حاد و سریع و گونه‌ای طولانی مدت به صورت عملیاتی، لازم دارد. (هودسون، ۱۹۹۹)

### ۳-۳) چهارچوب نظری

بحث‌های نظری درباره‌ی مهاجرت روستایی به شهر، تاریخ طولانی دارد و پیشینه آن دست کم به دهه ۱۸۸۰ بازمی‌گردد که راونشتاین طرح «قوانین مهاجرت» خود را پیشنهاد کرد. طبق این قوانین، مهاجر از منطقه‌ای که در آن، فرصت‌های کمتری وجود دارد، به مناطقی می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس باشد. گزینش این منطقه به کمک عنصر فاصله انجام می‌پذیرد، زیرا مهاجر تمایل دارد به مکان‌هایی که نزدیک‌ترند مهاجرت کند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

«نظریه جذب و دفع» که به نظریه تفاوت‌ها و کشش و رانش نیز معروف است، مبنای تئوریک خود را بر اندیشه توسعه ناهماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش از حیات بشری قرار می‌دهد (تقوی، ۱۳۷۱: ۶۰).

اورت اس لی در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مهاجرت»، که در سال ۱۹۶۶ ارائه داد، درباره‌ی حجم مهاجرت، جریان متقابل مهاجرت و خصوصیات فرد مهاجر نکاتی را بیان کرد. از نظر لی، مهاجرت به عنوان تغییر مکان دایمی یا موقت تلقی می‌شود و هیچ محدودیتی برای مسافت حرکت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچگونه تفاوتی میان مهاجرت داخلی و خارجی وجود ندارد.

در مقاله حاضر برای تحلیل آسیب‌های مناطق حاشیه‌ای از دیدگاه فشارهای

۱. Coping



ساختاری بهره گرفته شده است که سه حوزه فرصت‌های ساختاری، رویکرد بوم‌شناختی و رویکرد یادگیری اجتماعی را در بر گیرد.

فرصت‌های ساختاری: این دیدگاه توسط کلوارد و اهلین مطرح شده است که در واقع دو دیدگاه آنومی مرتن و همنشینی تفاوتی ساترلند را با هم تلفیق کرده است. اهلین زمینه‌های شکل‌گیری یک عمل انحرافی را در سه مرحله بیان کرده است.

مرحله اول: آرزوهای نامحدود و شکست هنجارهای نظم‌دهنده: بر این اساس هنگامی که آرزوها و تمایلات افراد دیگر قادر به شکوفا شدن نیستند، فشارهای وارده بر فرد جهت گرایش به رفتارهای انحرافی افزایش می‌یابد یعنی هنگامی که کارکردهای تنظیم‌کننده نظم اجتماعی در اثر رکود یا رونق اقتصادی ناگهانی، تغییرات تکنولوژیک سریع و ... از بین می‌روند، تمایل افراد به اهداف جامعه کاهش پیدا کرده و افراد خود را با شرایطی که بر آنها تحمیل شده است هماهنگ نمی‌بینند.

مرحله دوم: جدایی بین اهداف فرهنگی و فرصت‌های ساخته شده اجتماعی: یعنی فروپاشی ساخت فرهنگی آن هنگامی رخ می‌دهد که بین هنجارها و اهداف فرهنگی و توانایی‌های تثبیت شده از طرف جامعه برای افراد گروه جهت فعالیت متناسب آن، شکاف عمیقی بوجود می‌آید.

مرحله سوم: میزان دسترسی به ابزار نامشروع: به میزانی که افراد به ابزار نامشروع برای دستیابی به اهداف خود دسترسی داشته باشند گرایش به رفتارهای انحرافی افزایش می‌یابد.

سیستم دسترسی به ابزار نامشروع اول اینکه محدود است و قابل دسترسی به همه نیست دوم این که بسته به جایگاه فرد در ساخت اجتماعی به طور متفاوت قابل دسترس هست.

بر اساس این دیدگاه این سه مرحله در فرآیند انحراف تأثیرگذار هستند. (بخارایی، ۱۳۸۶: ۴۶)

وجود فرصت‌های محدود شده یا فرو بسته می‌تواند سبب شود تا برخی افراد برای دست یافتن به مزایای مطلوب اجتماعی در طلب وسایل و شیوه‌های جایگزینی راه‌های مجرمانه برآیند (وایت راب و هینز فیونا، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

به طور خلاصه وجود یا عدم فرصت‌های مشروع می‌تواند عاملی برای وقوع یا عدم وقوع جرم محسوب شود که مناطق حاشیه‌ای از حیث کمبود در ارائه فرصت‌های مشروع زمینه مساعدی را برای جرایم فراهم می‌آورد.



یادگیری اجتماعی: این دیدگاه که توسط ادوین ساترلند و دونالد کرسی تبیین شده است این دو مدعی هستند که افراد در درون محله‌هایی خاص یا در برخی موقعیت‌های خاص اجتماعی در خلال کنش متقابل با دیگران دانستی‌های لازم را درباره رفتار مجرمانه فرا می‌گیرند. (سیلمی و داوری، ۱۳۸۰)

آنها همچنین مدعی هستند که برخی افراد که با حاملان هنجارهای مجرمانه هم‌نشین می‌شوند بیش از سایرین به یادگیری رفتارهای مجرمانه روی می‌آورند. به نظر این دو فرآیند یادگیری رفتار مجرمانه در ابعاد زیر اتفاق می‌افتد:

### فنون ارتکاب جرم

انگیزه‌ها، سابقه‌ها، رهیافت و توجیه‌هایی که با جرم همراه است.

تعریف مجموعه قوانین به عنوان امری مطلوب یا نامطلوب

ساترلند و کرسی اصول و فرایندهای برای تبیین رفتار بزهکارانه مطرح

می‌کنند:

۱. رفتار بزهکارانه یادگرفتنی است: یعنی موروثی و تقلیدی نیست و کسی که بزهکاری یاد نگرفته باشد، نمی‌تواند رفتار بزهکارانه داشته باشد.
۲. رفتار بزهکارانه را در فرایندی ارتباطی و طی کنش متقابل با دیگران یاد می‌گیرند. این ارتباط در بیشتر موارد زبانی است ولی ارتباطات اشاره‌ای را هم شامل می‌شود.
۳. بخش اصلی یادگیری رفتار بزهکارانه در گروه‌های اولیه و صمیمی صورت می‌گیرد، عواملی مانند فیلم و روزنامه نقش کم‌اهمیت‌تری در شروع رفتار بزهکارانه دارند.
۴. فرایند یادگیری رفتار بزهکارانه شامل یادگیری فنون ارتکاب جرم و همچنین انگیزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها می‌شود.
۵. جهت‌گیری انگیزه‌ها و نگرش‌ها از طریق تعاریف موافق یا مخالف قانونی انجام می‌گیرد.
۶. یک شخص در صورتی بزهکار می‌شود که تعاریف موافق قانون شکنی، فراوانی بیشتری از تعاریف مخالف قانون شکن داشته باشند.
۷. هم‌نشینی افتراقی ممکن است از نظر دوام، اولویت و شدت با یکدیگر مغایرت داشته باشند.
۸. فرایند یادگیری رفتار بزهکارانه به واسطه ارتباط و تعامل با بزهکاران صورت می‌گیرد و با هر نوع یادگیری دیگر یکسان است.
۹. با وجود اینکه رفتار بزهکارانه بیانگر نیاز و ارزش‌های عمومی است اما به





وسيله نیازها یا ارزش های عمومی تبیین نمی شود زیرا رفتار غیربزهکارانه

توصیف همان نیازها و ارزش های عمومی است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳

:۱۷۰)

رویکرد بوم شناسی اجتماعی: شاو و مک کی در تبیین خود از آسیب های اجتماعی عمده توجه خود را به پیوندهای موجود میان گونه های خاص از محیط های شهری و همچنین طبیعت گستره ای انواعی از جرایم معطوف ساخته اند که با محیط ها پیوند دارد. به بیان دقیق تر شیوه ای که جرم را با توجه به ترکیب های متغیر مناطق شهری و الگوهای سکونت موجود در آن مطالعه می کنند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳) راهنمای آنها در انجام این چنین چیزی تئوری بوم شناسی انسانی پارک و برجس بود. یافته های آنها مدل منطقه ای را تقویت کرد. (ویلز، ۱۹۹۷: ۳۱۰)

در خصوص عوامل موثر بر حاشیه نشینی نیز نظرات متعددی ارائه شده است. « از دیدگاه لی، به طور کلی چهار عامل اصلی در مهاجرت دخیلند، که عبارتند از: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد، و عوامل شخصی. در هر مبدأ و مقصدی، مجموعه ای از عوامل مثبت (جاذبه ها) و عوامل منفی (دافعه ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او موثرند؛ مثلاً برخورداری مقصد از وجود امکانات آموزشی، اشتغال و درآمد بیشتر در مقایسه با مبدأ، مهاجرت را تشویق می کند و برعکس آلودگی محیط زیست، بالا بودن سطح هزینه های زندگی، دوری از خانواده و محیط و فرهنگ بومی از عوامل دافعه مهاجرتند.

مهاجر با مقایسه عوامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد، تصمیم می گیرد مهاجرت کند. عناصر مثبت فرد را نگه می دارد و دیگران را از مناطق دیگر جذب می کند و برعکس، علائم منفی افراد را به مهاجرت وادار می کند، صفر نیز جزو عوامل خنثی است، یعنی جزو عوامل جاذبه یا دافعه محسوب نمی شود. حجم ناخالص مهاجرت به میزان عوامل منفی و مثبت در مبدأ و مقصد بستگی دارد. عوامل دیگری که در مهاجرت تاثیر می گذارند عوامل شخصی اند، نظیر سن مهاجر، جنس مهاجر، میزان مهارت مهاجر، و یا نژاد و وابستگی سیاسی و تعلقات قومی مهاجر) پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

#### ۴) روش شناسی

تحقیق حاضر به صورت پیمایشی و به عنوان یک بررسی کاربردی است، اطلاعات موردنیاز با استفاده از روش مصاحبه و با ابزار پرسشنامه جمع آوری و برای



اندازه گیری سازه ها از تکنیک طیف لیکرت استفاده شده است. جامعه آماری کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه ای شهر تهران می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری ترکیبی چندمرحله ای (ترکیبی از روش های طبقه ای، خوشه ای، سیستماتیک و تصادفی) حجم نمونه ۶۷۰ نفری انتخاب و اطلاعات جمع آوری شده است. جهت سنجش متغیرها و سازه ها ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی سازه هایی ایجاد گردیدند و سپس بین صفر تا ۱۰۰ استانداردسازی شدند. برای تعیین قابلیت اعتماد و اعتبار پرسشنامه با انجام پیش آزمون بین ۳۰ نفر نتایج با استفاده از آلفای کرونباخ اعتبار و پایایی پرسشنامه استفاده شد. که برابر با ۰/۷۱۱ می باشد. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ۵) یافته های تحقیق

### ۵-۱) ویژگی های فردی - اجتماعی پاسخگویان

از میان کل پاسخگویان ۵۴/۹ درصد مرد و ۴۵/۱ درصد زن می باشند. همچنین ۷۶/۲ درصد پاسخگویان متأهل، ۲۰ درصد مجرد، ۳/۳ درصد مطلقه و ۳/۳ درصد نیز بیوه بر اثر فوت همسر می باشند. ۸۳/۷ درصد پاسخگویان شاغل، ۱۲/۷ درصد بیکار، ۲/۱ درصد جویای کار، ۱/۵ درصد نیز به گزینه اشتغال پاسخ نداده اند. نوع قومیت پاسخگویان عبارت است از ۳۶/۷ درصد آذری، ۴۰/۷ درصد فارس، ۷/۴ درصد لر، ۸/۱ درصد کرد، ۰/۲ درصد ترکمن، ۰/۱ درصد بلوچ، ۴/۴ درصد شمالی، ۲/۶ درصد بی پاسخ و ۲/۲ درصد نیز قومیت خود را اعلام نکرده اند. از حیث بعد خانوار ۹/۷ درصد ۱ تا ۲ نفره، ۶۸/۷ درصد ۳ تا ۵ نفره، ۱۸/۹ درصد ۶ تا ۸ نفره و ۲/۷ درصد نیز بیشتر از ۹ نفر هستند. در آخر از حیث تحصیلات ۸/۹ درصد پاسخگویان بی سواد، ۲۶/۵ درصد ابتدایی، ۲۲/۱ درصد راهنمایی، ۳۴ درصد دیپلم، ۲/۲ درصد فوق دیپلم، ۸/۱ درصد لیسانس، ۳/۳ درصد فوق لیسانس و بالاتر و ۸/۸ درصد نیز میزان تحصیلات خود را اعلام نکرده اند.

### ۵-۲) سیمای کالبدی - اجتماعی مناطق حاشیه ای

برای سنجش سیمای کالبدی - اجتماعی از هفت شاخص نوع تملک، پروانه ساخت، مدت سکونت، جمعیت خانواده، زیربنای خانه، تعداد اتاق، رضایت از مسکن شده است. بر این اساس از حیث نوع تملک مسکن ۷۲ درصد ملکی، ۲۵ درصد رهن و اجاره و ۳ درصد نیز سایر موارد بوده است. ۱۸/۹ درصد کمتر از ۱۰

سال، ۲۳/۸ درصد ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۴/۱ درصد ۲۰ تا ۳۰ سال و ۲۲/۷ درصد نیز بیش از ۳۰ سال درصداست که در این مناطق سکونت دارند. از نظر پاسخگویان ۴۸/۵ درصد خانواده‌های ساکن در این مناطق را پرجمعیت، ۱۰/۵ درصد کم جمعیت و ۴۰ درصد با جمعیت متوسط ارزیابی کرده‌اند و یک درصد نیز پاسخ نداده‌اند. ۲۰/۸ درصد پاسخگویان زیربنای خانه خود را تا ۵۰ متر، ۳۴/۹ درصد بین ۵۱ تا ۸۰ متر و ۴۴/۳ درصد نیز بیشتر از ۸۱ متر اعلام کرده‌اند. تعداد اتاق منزل پاسخگویان ۳۸/۸ درصد تنها یک اتاق، ۵۸/۹ درصد ۲ تا ۴ اتاق و ۲/۳ درصد نیز ۵ و بیشتر از آن می‌باشد. در آخر ۱۷/۶ درصد پاسخگویان در بسیار زیاد و زیاد از مسکن خود راضی هستند، ۴۶/۴ درصد رضایت متوسط و ۲۵/۸ درصد رضایت کم و خیلی کم دارند و ۱۰/۲ درصد نیز اصلاً از منزل مسکونی خود رضایت ندارند. ۴۵/۱ درصد پاسخگویان متولد تهران و ۵۴/۹ درصد نیز متولد سایر مناطق کشور می‌باشند.

### ۳-۵) توصیف متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی درصدی متغیرهای تحقیق

| ردیف | متغیر                 | کم و بسیار کم | متوسط | زیاد و بسیار زیاد | اصلا |
|------|-----------------------|---------------|-------|-------------------|------|
| ۱    | کنترل اجتماعی         | ۲۷/۲          | ۳۴    | ۳۸/۸              | -    |
| ۲    | احساس نابرابری        | ۱/۳           | ۲۵/۲  | ۱۷/۷              | -    |
| ۳    | امکانات رفاهی         | ۷/۳۷          | ۳/۲۳  | ۲/۲               | ۳۶/۸ |
| ۴    | خدمات شهری            | ۳/۸۳          | ۹/۹   | ۰/۲               | ۵/۶  |
| ۵    | شلوغی محل             | ۳۶            | ۶/۲۵  | ۳۸/۴              | -    |
| ۶    | میزان آسیب ها و جرایم | ۲/۲۹          | ۲۲    | ۴۷/۸              | ۱    |

متغیرهای مستقل تحقیق حاضر شامل کنترل اجتماعی، احساس نابرابری، امکانات رفاهی، امکانات و خدمات شهری و آسیب ها و جرایم می‌باشد. بر این مبنای از نظر پاسخگویان میزان کنترل اجتماعی از نظر ۲۷/۲ درصد پاسخگویان بسیار کم و کم، ۳۴ درصد متوسط و ۳۸/۸ درصد زیاد می‌باشد. میزان احساس نابرابری از نظر ۷۱/۷ درصد پاسخگویان زیاد و بسیار زیاد، ۲۵/۲ درصد متوسط و ۳/۱ درصد نیز کم می‌باشد. امکانات رفاهی مناطق حاشیه را ۳۷/۷ درصد پاسخگویان در حد کم و بسیار کم، ۲۳/۳ درصد در حد متوسط، ۲/۲ درصد در حد زیاد و ۳۶/۸ درصد پاسخگویان نیز معتقدند امکانات رفاهی اصلاً در این مناطق وجود ندارد. ۴۳/۶ درصد پاسخگویان خدمات شهری را بسیار کم، ۳۹/۷ درصد کم، ۹/۹ درصد



متوسط و ۰/۲ درصد نیز زیاد اعلام کرده‌اند و ۵/۶ درصد نیز معتقدند اصلاً خدمات شهری در این مناطق وجود ندارد. در آخر میزان آسیب‌ها و جرایم در این مناطق از نظر ۲۱/۵ درصد پاسخگویان اصلاً وجود ندارد، از نظر ۶۹/۸ درصد به میزان کم و بسیار کم، از نظر ۷/۷ درصد متوسط و از نظر ۱ درصد نیز زیاد می‌باشد.

## ۴-۵) تحلیل دومتغیره

۱- روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

جدول شماره (۲): نتایج آزمون آماری بین متغیرها

| ردیف | متغیر                     | آماره F | سطح معنی داری |
|------|---------------------------|---------|---------------|
| ۱    | جنسیت                     | ۵,۰۰۱   | ۰,۰۲۸         |
| ۲    | تأهل                      | ۱,۷۴۰   | ۰,۱۵۴         |
| ۳    | اشتغال                    | ۵۸۱     | ۰,۶۲۸         |
| ۴    | قومیت                     | ۱,۹۲۵   | ۰,۰۶۳         |
| ۵    | تحصیلات                   | ۱۷۰۱    | ۰,۶۲۳         |
| ۶    | کنترل اجتماعی             | ۲,۶۵۷   | ۰,۰۰۰         |
| ۷    | احساس نابرابری            | ۱,۶۱۳   | ۰,۰۳۵         |
| ۸    | امکانات رفاهی             | ۹,۶۱۳   | ۰,۰۰۰         |
| ۹    | خدمات شهری                | ۲,۰۸۶   | ۰,۰۰۰         |
| ۱۰   | شلوغی محل                 | ۹۷,۷۰۱  | ۰,۰۰۰         |
| ۱۱   | ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی | ۱,۸۶۷   | ۰,۱۵۵         |

بر اساس یافته‌های جدول بین نوع جنسیت پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از میزان رابطه بین متغیر تأهل و میزان بروز جرایم از نظر پاسخگویان با توجه به  $F=1,74$  و سطح معنی داری ۰,۱۵۴ تفاوت معنی داری وجود ندارد و متأهلین و غیر متأهلین میزان آسیب‌ها و جرایم در مناطق حاشیه‌ای را یکسان ارزیابی کرده‌اند. بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال پاسخگویان و ارزیابی آنان از میزان بروز آسیب‌ها و جرایم در مناطق حاشیه‌ای با توجه به  $F=0,581$  و سطح معنی داری ۰,۶۲۸ تفاوت معنی داری مشاهده نمی‌شود یعنی شاغلین و بیکاران در ارزیابی میزان بروز جرایم و آسیب‌ها ارزیابی یکسانی دارند. ارزیابی از میزان بروز جرایم پاسخگویان بر اساس تحصیلات آن‌ها با توجه به  $F=0,701$  و سطح معنی داری ۰,۶۲۳ نشان از عدم تفاوت معنی دار می‌باشد.

میزان بروز جرایم و آسیب ها در مناطق حاشیه ای براساس قومیت پاسخگویان با توجه به  $F=1,925$  و سطح معنی داری  $0,063$  در سطح  $5$  درصد خط تفاوت معنی دار وجود ندارد ولی اگر خطا به  $10$  درصد برسد تفاوت معنی داری بین نوع قومیت و ارزیابی از میزان بروز جرایم مشاهده می شود.

متغیر کنترل اجتماعی از نظر پاسخگویان با ارزیابی آنان از میزان بروز جرایم و آسیب ها با توجه به  $F=2,657$  و سطح معنی داری  $0,000$  نشان دهنده تفاوت معنی دار می باشد.

متغیر احساس نابرابری با میزان بروز جرایم و آسیب ها در پاسخگویان با توجه به  $F=1,613$  و سطح معنی داری  $0,035$  تفاوت معنی دار نشان می دهد.

دیگر امکانات رفاهی و ارزیابی میزان بروز جرایم و آسیب ها با توجه به  $F=9,613$  و سطح معنی داری  $0,000$  تفاوت معنی دار وجود دارد.

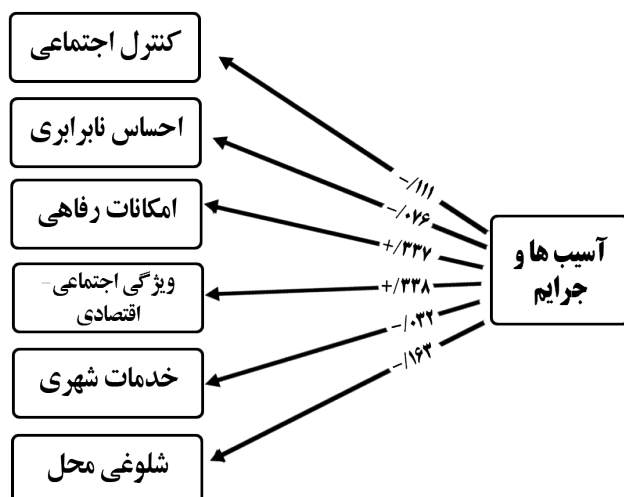
بین متغیر خدمات شهری و میزان بروز جرایم از نظر پاسخگویان با توجه به  $F=2,086$  و سطح معنی داری  $0,000$  تفاوت معنی دار وجود دارد.

دیگر شلوغی محل و میزان بروز جرایم با توجه به  $F=97,701$  و سطح معنی داری  $0,000$  نشان دهنده تفاوت معنی دار بین دو متغیر می باشد.

دیگر ویژگی های اقتصادی- اجتماعی و میزان بروز جرایم و آسیب ها با  $F=1,867$  و سطح معنی داری  $0,155$  نشان دهنده عدم تفاوت معنی دار بین دو متغیر می باشد.

۵-۵) تحلیل چندمتغیره (تحلیل رگرسیونی):

در ادامه یافته های تحقیق برای کنترل آماری بیشتر در مورد حضور همزمان متغیرهای مستقل از رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید و کلیه متغیرهای مستقل





وارد معادله رگرسیونی گردید. طریقه ورود متغیرهای مستقل بر اساس میزان رابطه همبستگی می باشد.

۲- تحلیل چندمتغیره متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بر حسب ضریب بتا در میان متغیرهای مورد مطالعه فقط متغیر پنجم ویژگی اجتماعی-اقتصادی مورد پذیرش قرار نگرفته است بقیه متغیرها مورد پذیرش قرار گرفته است.

## ۶) نتیجه گیری و پیشنهادها

### ۶-۱) نتیجه گیری

در زمینه بررسی نگرش پاسخگویان به آسیب ها و جرایم در مناطق مورد مطالعه محقق با دو مسئله روبرو شده است :

الف) از یک طرف در اغلب محلات با پاسخ هایی در زمینه این سوالات مواجه شده ایم که در نظر اول دور از انتظار است به صورتی که اغلب در مورد آسیب ها و جرایم با جواب اصلاً و یا بسیار کم مواجه شده ایم، این جواب در تعدادی از مناطق مورد مطالعه قابل قبول است چرا که در این مناطق نوعی تراکم اخلاقی به صورت اساسی وجود دارد که ناشی از شناخت افراد در محلات مورد مطالعه نسبت به یکدیگر است، این یافته تا حدودی می تواند تایید کننده نظر دورکیم در مورد وجدان جمعی و رابطه آن با جرم باشد.

از طرف دیگر در محله ای مانند سعادت آباد ما با این مسئله مواجه هستیم که در تعدادی از جرایم و آسیب ها با پاسخ های متفاوت از جاهای دیگر برخورد می کنیم که این مطلب نیز از این علت سرچشمه می گیریم که در این منطقه ما با دره ای به نام دره سعادت آباد مواجه هستیم که به نوعی می توان از آن به عنوان یک مرکز فاسد اجتماعی نام برد و از طرف دیگر عدم همگونی قومی و تراکم بالا جمعیت در کنار عدم رسیدگی مسولان فرهنگی خود این محله را به گونه ای مستعد وقوع جرایم و بستر مناسبی برای ایجاد آسیب ها کرده است.

ب) از طرف دیگر می توان به این نکته اشاره داشت که در منطقه کنار اتوبان چمران و در بخش حسن آباد با نوعی مقاومت در برابر پاسخ صحیح دادن در مورد سوالات آسیب ها مواجه هستیم که به نوعی نشات گرفته از این مطلب است که ساکنان این محل خود را جزئی از منطقه اعیان نشین سعادت آباد می دانند و البته پر واضح است که به این دلیل نمی توانند خود را منطقه ای بدانند که در آن آسیب های اجتماعی وجود دارد و یا شاهد وقوع جرایم است (که این امر ناشی از این مطلب است که تصورات مردم در این ناحیه در این معنی خلاصه می شود



که در منطقه سعادت آباد مگر جرم و یا آسیب وجود دارد که در این منطقه وجود داشته باشد به این تخیل پردازی باید اضافه کرد که جرایم و آسیب‌ها در این منطقه به صورت واقعه و بر اساس نظر کلانتری محل به صورت معمولی وجود دارد) به این لحاظ محقق با نوعی تخیل پردازی از طرف ساکنین این محل مواجه بوده است که البته نباید نقش شورای محله موجود در این بخش را در این امر نادیده گرفت و این مسئله تا به جایی رسید که تحقیق در این محل به دلیل مخالفت شورا یاران محلی به صورتی تخیلی و غیر ممکن در آمد.

مطلب دیگری که نباید فراموش کرد این است که در این مناطق ما با مسائل مختلفی در زمینه آسیب‌ها برخورد می‌کنیم، مثلاً در منطقه خاک سفید پس از خراب کردن کوچه معروف خاک سفید امروز در سر تا سر منطقه خاک سفید و به صورت درست تر در تمام کوچه‌های خاک سفید به ساقیا (مواد فروش‌ها) برخورد می‌کنیم که از دید مردم محل خاک سفید باید با آنان برخورد شود و یا در شهرک کمپته در اطراف این منطقه که تماماً زمین‌های کشاورزی است بعضاً با اجساد افراد کشته شده مردم محل برخورد می‌کنند و یا در منطقه امامزاده ابوالحسن بقایای قلعه سابق که مردم این محل زمانی در آن ساکن بوده‌اند امروزه محل سکونت تعدادی از افغانه شده است که به دنبال آن ایجاد کننده این مسئله بوده که این محل به نوعی پاتوق روسپیگری و محل آمد و شد فواحش باشد؛ از این رو لازم است که در مورد آسیب‌ها و جرایم در این محلات مورد بررسی به صورت ویژه تری نگاه کرد.

## ۲-۶) پیشنهادها

نتیجه ای که از این فرآیند گرفته می‌شود این است سیاست‌ها و راهکارهای مقابله با رشد و توسعه حاشیه نشینی در ایران با کشورهای اروپایی از اساس متفاوت خواهد بود چرا که از این منظر به حاشیه نشینی نمی‌توان به عنوان یک آسیب نگاه کرد بلکه بایستی به آن به عنوان مکانیزم طبیعی سازگاری مردم با محیط نگاه کرد و از این منظر حاشیه نشینی یک پدیده فونکسیونل می‌باشد از این رو سیاست‌ها و راهکارهای مقابله با معضل حاشیه نشینی در سطوح مختلف بایستی بر دو محور مبداء و مقصد مهاجرت برنامه ریزی شود:

### ۱) برنامه ریزی برای مبدا

واقعیت آن است که نظام کشاورزی ایران به ویژه پس از اصلاحات ارضی با از دست دادن مدیریت و برنامه ریزی قبلی (ارباب رعیتی) نتوانسته است مطابق با



تحولات جامعه متحول شود و این مساله در کنار ذهنیت روانشناختی جامعه ایرانی که ارزش بسیار زیادی برای مالکیت قایل است، طی چند دهه اخیر زمینهای کشاورزی را به قطعات کوچک تقسیم نموده و آن را از ارزش و اعتبار اقتصادی-کشاورزی دور ساخته است. تقسیم زمین های کشاورزی به قطعات کوچک و غیراقتصادی شدن آنها باعث گردید که مالکان این قطعات برای جبران کسری هزینه های خود به منابع دیگری هم نیازمند باشند و شهرها تنها مکانی بود که می توانست این کمبود را جبران کند. این فرایند مساله حاشیه نشینی را تشدید کرده است در این راستا مرحله اول در برنامه ریزی استراتژیک توانمندسازی و افزایش ظرفیت روستاها برای جذب رشد جمعیت می باشد اگر چه پس از انقلاب اسلامی در این راستا اقدامات متعددی از جمله یکپارچه سازی اراضی صورت گرفت ولی از آنجایی که به شرایط اجتماعی و روانشناختی روستاها توجه نشده بود، قرین به موفقیت نشد. از این رو بررسی و تجزیه و تحلیل علل و عوامل، زمینه ها و بسترهای موجود برای توانمندسازی روستا از اقدامات اساسی است در این راستا می توان به مورد چین اشاره نمود که تا چند سال پیش سیاست آنها حفظ وضع موجود روستاها بود و به هیچ وجه اجازه نمی دادند روستاها در حوزه بهره مندی از تکنولوژی نوین وارد شود چرا که ترس آن را داشتند که نیروی کار فوق العاده ای را آزاد کند و این نیرو سربار شهرها شود ولی طی چند سال اخیر به اجبار سیستم کشاورزی را مکانیزه نموده اند ولی قبل از انجام این اقدام ابتدا با یک برنامه ریزی مشخص روستاهایی را که احتمال آزادسازی نیروی زیادی داشت شناسایی و با توانمندسازی این روستاها توانسته اند بخشی از نیروی کار اضافی را در همان جا دوباره مشغول نمایند. سیاست بعدی آنها نیز این است که در محدوده چند روستا که پتانسیل آزادسازی تعداد زیادی جمعیت را دارند شهرک هایی را ایجاد کرده اند که این نیروهای اضافی در آن شهرک ها ساکن شوند.

با توجه به موارد فوق اقدامات لازم برای مبداء به شرح قابل بیان می باشند :

۱. بهسازی و نوسازی بافت های فعلی روستایی: ناگفته پیداست که زمانی می توان از مهاجرت جمعیت اضافی روستاها جلوگیری کرد امکان جذب آنها در روستاها فراهم باشد برای این منظور ضروری است که بافت های روستا در ابعاد و زوایای مختلف بهسازی و نوسازی گردد.
۲. لازم به ذکر است اجرای هرگونه برنامه بهبود کیفیت زندگی در محدوده، نباید منجر به گسترش حاشیه زایی و اسکان غیررسمی در آن شود، توفیق در این زمینه مشروط به تدوین و اجرای برنامه فراگیر اسکان کم درآمدها





در تمام منطقه کلان شهر و استقرار نظام مدیریت کلان شهری هماهنگ و یکپارچه است.

۳. حفاظت اراضی کشاورزی و باغ‌های با ارزش این محدوده یک اصل تلقی شود. این حفاظت باید منطبق با اصول اقتصاد زمین باشد.
۴. ایجاد صنایع کوچک روستایی کاربر و در عین حال دارای بازار جهانی.
۵. تقویت عمران روستایی و توجه به نیازهای این قشر از جامعه جهت جلوگیری از مهاجرت آنان به حاشیه شهرها
۶. اشتغال روستایی: اگر چه در شرایط فعلی امکان توسعه اشتغال با نگرشهای رسمی و کلاتی که به روستاها وجود دارد، فراهم نیست ولی با تغییر نگرش و راهبردهایی می‌توان سیاستهایی را به کار بست که عبارتند از:
  - هدفمند نمودن کشت محصولات کشاورزی به سمت نیازهای محلی و فرامحلی: این سیاست در سایه نیازسنجی منطقه‌ای برای محصولات کشاورزی به راحتی امکان پذیر است.
  - تضمین و بیمه محصولات کشاورزی از طریق دولت و بیمه‌های کشاورزی
  - سوق دادن تولید کشاورزی به سم کشاورزی نوین و تولید محصولات موردنیاز کشورهای همجوار مثل پرورش گل، پسته و ...
  - ایجاد بستر برای دو محصوله کردن کشاورزی و تولید محصولات در دو دوره زمانی تابستانی و زمستانی (بسیاری از مناطق کشور مستعد چنین سیاستی می‌باشند).

## ۲) برنامه ریزی در مقصد

از این منظر شایسته آن است که در شهرها با برنامه ریزی لازم بستر مساعد را برای جذب مهاجرین ایجاد کرد احداث شهرها و شهرکهای جدید، اصلاح و بهبود شهرک‌های حاشیه‌ای موجود، توسعه و گسترش خدمات به این شهرها و مستحیل ساختن حاشیه نشینان در فرهنگ شهری به وسیله مکانیزهای عملیاتی از اقدامات بنیادی است:

۱. در اولین فرصت باید راه ورود تازه واردان به مادر شهرهای منطقه‌ای و کلان شهرها، از طریق راه‌های قانونی (مانند: وضع مقررات و قوانین) و یا راه حل‌های کالبدی (مانند: نوارسبز) و یا راه حل‌های نظارتی (در ارتباط با زمین‌های وسیع بدون صاحب و یا حریم رودخانه‌ها و یا دامنه ارتفاعات) مسدود گردد.
۲. وقتی محدوده شهر مستحکم گردید، کلیه حاشیه نشینان داخل محدوده



- بخشی از مردم شهر تلقی می‌شوند و باید مورد حمایت قرار گیرند.
۳. مسدود کردن راه ورود مهاجران به شهرهای بزرگ، نباید به معنای محروم نمودن آن دسته از کسانی باشد که مهاجرت را به عنوان مفری برای رهایی از فقر اقتصادی و دست یابی به شرایط بهتر زندگی، انتخاب می‌کنند، نیست.
  ۴. زمینه سازی برای تشکیل نهادهای محلی و کمک به ظرفیت سازی در آنها برای مشارکت در تصدی امور جمعی.
  ۵. به رسمیت شناختن حق سکونت و تامین مسکن در این گونه سکونت گاه‌ها برای همه و برقراری حمایت قانونی در این مورد.
  ۶. توانمند سازی و تشکیل گروههای خودگردان در نظام برنامه ریزی اسکان کشور به طور عام و در برنامه ریزی شهری و مسکن به طور خاص.
  ۷. مشارکت مردم و توانمندسازی حاشیه نشینان: حاشیه نشینان معاصر در قلمرو زندگی اقتصادی - اجتماعی شهرها به سر می‌برند.
  ۸. اصلاح ساختار نظام شهری و رفع کاستی‌های موجود در قوانین و نهادهای برنامه ریزی شهری در برخورد با کم درآمدها و ...
  ۹. بهبود مدیریت شهری و تصمیم گیری مسئولان نهادها و سازمانهای شهری در جهت تنظیم هدف‌ها و برنامه‌ها
  ۱۰. ایجاد بافت‌های برنامه ریزی شده در کنار یا نزدیکی بافت‌های فعلی و انتقال ساکنان به این بافت‌ها.
  ۱۱. ارتقاء کیفیت و سطح خدمات رسانی، راه کار ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان فعلی و عدم جذب گروه‌های کم درآمد جدید است.
  ۱۲. تلاش برای اتمام طرحهای اثر گذاری ملی بر توسعه پایدار و توسعه منطقه‌ای در کشور
  ۱۳. ساماندهی وضع اشتغال و ایجاد گسترش فرهنگ واقعی اشتغال به جای بهره گیری از رانت‌های اقتصادی کوچک و بزرگ، از جمله: فعالیت‌های سودجویانه که تیشه به ریشه تولید و رونق اقتصادی می‌زند.
  ۱۴. جمعیت ساکن موجود در این محدوده را باید واقعیتی دانست که تضمین کیفیت زندگی آنان، یک الزام عملکردی در جهت کارایی کل سیستم منطقه کلان شهر تهران است. بنابراین راه حل‌های مبتنی بر اعمال فشار و محدودیت محض و عدم خدمات رسانی لازم حداقل، نمی‌تواند واقع گرا و کارآمد باشد.
  ۱۵. وجود یک ستاد یا کمیته استانی جهت ایجاد نقش مدیریتی میان بخشی و



- حلقه پیوند میان سطح کلان برنامه ریزی با سطح محلی قابل توجه می باشد.
۱۶. جلوگیری از تمرکز فعالیتهای اقتصادی در شهرها و انتقال آن به شهرهای کوچک و مناطق دیگر
  ۱۷. حمایت از تسهیل تشکیل سازمانهای غیر دولتی دواطلب در کمکهای فنی برای ساکنین مناطق حاشیه نشین و نیز مشاوره و میانجی گیری بین ایشان و بخش دولتی.
  ۱۸. پرداخت وام دراز مدت به ساکنین جهت بازسازی و بهسازی و تقویت صندوقهای قرض الحسنه محلی در جهت توانمند سازی خانوار.
  ۱۹. احداث مراکز آموزشی و فنی حرفه ای جهت حرفه آموزی و تربیت جوانان جویای کار
  ۲۰. ارتقای سطح سواد و فرهنگ شهرنشینی در جامعه از طریق رسانه های جمعی و تبلیغات مناسب و آموختن شیوه مناسب شهرنشینی.
  ۲۱. تقویت نیروهای کنترل کننده رسمی و غیر رسمی در این مناطق .
  ۲۲. ایجاد شوراها و انجمن های متشکل از افراد معتمد حاشیه نشینان برای حل مشکلات آنان.





منابع

- احمدیان، محمد علی (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حل ها، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، پژوهشگاه جامعه تقوی، نعمت الله (۱۳۷۱)، نظریه های مهاجرت، تبریز: ستوده.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲)، نظریه های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- علی سلیمی و محمد داوری، (۱۳۸۰) جامعه شناسی کجروی قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله، (۱۳۶۹) انسان و شهرنشینی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱، ج ۲
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۳) وندالیسم، انتشارات آن
- معاونت اجتماعی ناجا، (۱۳۸۳)، بررسی حاشیه نشینی در شهرستانهای استان تهران.
- هاروی، دیوید (۱۹۷۳)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ربانی، رسول و دیگران، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مسالهی حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، شماره، ۱۳۸۵
- ربانی، رسول، جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت، چاپ دوم با اصلاحات، ۱۳۸۵
- زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۶۹) حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول
- کاستللو، وینسنت فرانسیس، شهرنشینی در خاورمیانه، پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- Gruber , Denis, et al (2005), “Living and Working in Slums of Mumbai”, Internet-Fassung, April, Otto-von-Guericke-Universität Magdeburg